

مروری بر فتیان و فتوت نامه‌ها

فاطمه علاقه

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی

این مقاله، مروری است بر سیر جوانمردی از دیرباز تا امروز شامل: پیشینه‌ی جوانمردی، ارتباط عیاران با فتیان، پیوستگی صوفیان با آنان، تأثیری که این فرقه بر سیاست داشتند، ملامت‌یان و فتیان و سرانجام، جوانمردان در لباس ورزشکاران باستانی، که این چهره‌ی ملموس کنونی آنان است. هرچند هنوز هستند افراد اندکی که راهی زورخانه‌ها می‌شوند، ولی باید گفت: امروزه، فتوت و چهره‌ی فتیان و آنچه به ایشان مرتبط می‌شود به اندازه‌ی کم‌رنگ شده است که می‌توان آن را هاله‌ی از جوانمردی محسوب داشت.

در مقاله‌ی حاضر آنچه عنوان شده منحصر به فتوت‌نامه‌های منشور و غیر صنفی است و به طور کلی، هشت رساله را دربرمی‌گیرد، شامل: فتوت‌نامه‌ی شهاب‌الدین عمر سهروردی (رساله‌ی یکم)؛ رساله‌ی دوم سهروردی؛ فتوت‌نامه‌ی عبدالرزاق کاشانی؛ فتوت‌نامه‌ی شمس‌الدین آملی؛ فتوت‌نامه‌ی نجم‌الدین زرکوب؛ فتوت‌نامه‌ی درویش علی بن یوسف کرکهری؛ فتوت‌نامه‌ی میر سیدعلی همدانی؛ فتوت‌نامه‌ی سلطانی.

نگاهی به پیشینه‌ی جوانمردی

آیین جوانمردی را به آدم ابوالبشر نسبت داده‌اند، اما پنهان نیست که رگه‌هایی از این رسم در افسانه‌های کهن پهلوانی به جای مانده است. تا آنجا که از متون

گذشته برمی آید، در ایران قدیم، خانواده‌های هفتگانه‌ی بودند که عربان ایشان را «اهل البیوتات» می‌خواندند. پسران، پسرخواندگان و بستگان این خانواده‌ها که نامشان در دیوانی ویژه ضبط بود، «سوار» نامیده می‌شدند و هر یک هنگام نبرد، از دولت حقوق دریافت می‌داشتند؛ اما در زمان صلح، از تیول اهدایی دولت‌گذران می‌کردند. اعضای این طبقه‌ی اسواران که به ارتشتاران نیز موسوم بود، چند ویژگی مشترک داشتند، بدین قرار:

۱. عضو خانواده بودند.
۲. نام آنها در دیوان دولتی ثبت بود.
۳. درآمدشان از راه مشخصی بود.
۴. شجاع، راست قامت، راستگو، سوارکار، صاحب هنر و سلحشور بودند.
۵. جوانمرد بودند.

بر این اساس، جوانمرد را چنین می‌توان توصیف کرد:

جوانمرد کسی است که راست بگوید، راست بر اسب نشیند، راست تیر بيفکند، از هم‌میهنان خود دفاع کند، به پناهنده‌ها پناه دهد، جان خویش را در راه آرمانش نثار کند، سخی و کریم باشد، دست و دل و چشم از ناموس دیگران پاک دارد و مهم‌تر از همه اینکه، او باید زردشتی پاک باشد، یعنی خلاف عهد و قول و پیمان عمل نکند (مهرداد بهار ۱۳۵۵: مقدمه، ص ۳). از حیث فکری، در عرب پیش از اسلام، «فتنی» به شخصی اطلاق می‌شد که به منتهای انسانیت و حد کمال رسیده بود و دو فضیلت سخاوت و شجاعت از ارکان اصلی فتوت به شمار می‌رفت. اما پیدایش این طرز فکر و گروه خاص در ممالک عرب نبود، بلکه منشأ وجودی آن ایران بود و آن دسته‌هایی از مردان که خود را فیتیان می‌نامیدند و هدفشان کسب درجات معنوی بود (فرائس تیشتر ۱۳۳۵: ص ۷۶).

عیاران، مردانی در زمره‌ی جوانمردان

در قرن‌های نخستین اسلام، دسته‌هایی از مؤمنان، معروف به غازی یا مُرباط، در رباط‌ها به سر می‌بردند که عمر در راه غزا در دین مصروف می‌داشتند. در خراسان و ماوراءالنهر نیز دسته‌هایی به نام «جنگجویان راه دین» بودند که در دوره‌ی انحطاط خلفای بنی عباس، تعدادشان بسیار بود. این مردم به مجرد حمله‌ی کفار، به محل موعود می‌شتافتند و با آنان به نبرد می‌پرداختند. اینان چون سایر اصناف، تشکیلاتی داشتند که نخستین نشانه‌های فتوت را در کردار آنها می‌توان مشاهده کرد (قاسم غنی ۱۳۴۰: ص ۳۹۴). فتیان ظاهراً همان توده‌های برخاسته از مردم بودند که به همیاری یاران خویش، کمر همت بر میان بست، شهرها را از دستبرد بیگانگان رهایی بخشیدند و هم از این رو، آنان را عیار می‌نامیدند. اما لغت «عیار» به احتمال قوی، مصحف و اثره‌ی «ایار» فارسی است که آن هم در اصل «اذی‌یار» بوده است و امروز، آن را «یار» گوئیم، یعنی «رفیق» و دوستِ جان در یک قالب (محمدتقی بهار ۱۳۶۳: ص ۱۱۲).

جوانمردی عیاری از دیدگاه فابوسنامه چنین است:

بدان که جوانمردی عیاری آن بود که او را از آن، چند گونه هنر بود؛ یکی آنکه دلیر و مردانه و شکیبا بود به هرکاری، و صادق‌الوعد و پاک‌عورت و پاکدل بود، و زیان کسی به سود خویش نکند و زیان خود از دوستان روا دارد، بر اسیران دست نکشد و اسیران و بیچارگان را یاری دهد، و بدبگنان از نیکان بازدارد، و راست شنود چنان‌که راست گوید، و داد از تن خود بدهد، و بر آن سفره که نان خورد بد نکند، و نیکی را بر بدی مکافات نکند، و از زنان تنگ دارد و بلا، راحت بیند. چون نیک بنگری، بازگشت این همه هنرها به سه چیز است: یکی آنکه هر چه گویی بکنی، دیگر آنکه خلاف راستی نگویی، و سوم آنکه شکیب را کار بندی (عنصرالمعالی ۱۳۵۲: ص ۲۴۳).

جنبه‌های اجتماعی عیاران

یکی از وجوه بسیار مهم تاریخ اجتماعی ایران رواج آیین جوانمردی و شکل جمعیت‌های فتیان است. این آیین یادگار دوره‌یی است که امتیازات طبقاتی بر ایرانیان گران می‌آمد. فراتر از آن، در اواسط قرن دوم هجری که ایرانیان در اکناف این مملکت، خاصه در خراسان و سیستان، علیه بیدادگری و نژادپرستی امویان به اعتراض برخاستند، راهنمای خراسانیان ابومسلم عبدالرحمان بن مسلم خراسانی از مردم ماخان مرو بود که از عیاران به شمار می‌رفت.

در حکومت عباسیان پیش از استقلال ایران، جوانمردان و عیارانی قیام کردند که در راه استقلال میهن جان باختند. معروف‌ترین آنها حمزه، پسر آذرک، در سیستان است که به سال ۱۷۹ هـ ق سر برافراشت و پس از ۳۴ سال پایداری، در ۲۱۳ هـ ق تسلیم مرگ گردید. ۴۱ سال پس از آن، صفاریان که آنان نیز از فتیان بودند، علم استقلال برافراشتند و سبب آزادی بخش بزرگی از این سرزمین شدند (محمد بن حسن طرسوسی: صص ۱۲-۱۶).

رابطه‌ی تصوف و فتیان

از آغاز رواج تصوف در ایران که آن نیز پرخاشی در برابر مسائل اجتماعی بود، بزرگان متصوفه‌ی ایران همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عموم می‌دانستند و هر دو را با هم ترویج می‌نمودند. چنان‌که سه تن از بزرگان مشایخ ایران ابو حامد احمد بن خضرویه‌ی بلخی (ف. ۲۴۰ هـ ق)، ابو حفص عمر بن سلمه حدّاد نیشابوری (ف. ۲۶۴ هـ ق)، و ابوالحسن علی بن احمد بن سهل صوفی پوسنگی (ف. ۳۸۴ هـ ق) از سران جوانمردان و فتیان بوده‌اند (سعید نفیسی: ص ۱۲۰).

در واقع، فتوت که بعدها نوعی تصوف عامیانه شد، به تصوف اختصاص نداشت و برای اغلب جوانان کمال مطلوب شمرده می‌شد. این کمال مطلوب اخلاقی در طبقات وابسته به محیط شیعه دیده می‌شد که بیش‌تر آنان مخالف حکومت عباسیان بودند و سیرت و شیوه‌ی علی بن ابیطالب را سرمشق قرار می‌دادند و به قول معروف «لا فتی الا علی، لاسیف الا ذوالفقار» تمسک می‌جستند. از اینجا به دو صورت فتوت مطرح می‌شود: یکی فتوت عربی با ریشه‌ی جاهلی و دیگری فتوت با ریشه‌ی اسلامی. فتوت عربی کمال مطلوب زندگی بدوی و فتوت اسلامی کمال مطلوب حیات مدنی به شمار می‌رفت (عبدالحسین زرین‌کوب ۱۳۵۷: ص ۳۳۵). اینکه علی بن ابیطالب (ع) در رأس مراتب اهل فتوت قرار گرفت و به شاه مردان ملقب شد، تا حدودی مرهون همدلی و همدردی آن حضرت با موالی بود. پیشه‌وران در آن دوران به موالی منسوب بودند؛ زیرا عربان به جز جهاد و گشودن سرزمین‌های تازه، امور دیگر را دون شأن خود می‌پنداشتند (محمد بن عمر سهروردی ۱۳۶۴: ص ۷۱).

فتیان و سیاست

در طول تاریخ، بارها اتفاق افتاده است که کار فتیان زمانی بالا گرفته و با اقبال خواص روبه‌رو شده است. پیوستن الناصر لدین‌الله خلیفه‌ی عباسی به گروه جوانمردان و دربرکردن سراویل فتوت از وقایع بسیار مهم و شایان توجه تاریخ فتوت و شاید بزرگ‌ترین رویداد آن باشد؛ گو اینکه پیوستن خلیفه به فتیان دلیل سیاسی داشت و او با دوراندیشی خاص خود، از جوانمردان در راه تحکیم پایه‌های متزلزل عباسی استفاده کرد. همچنین پس از سقوط دولت عباسیان در ۶۵۶ هـ ق و روی کار آمدن دولتی صوری از عباسیان در مصر،

فتوت دیگر بار از فتوت به در آمد و در عید فطر ۶۵۹ هـ.ق، سلطان ملک ظاهر بیبوس بند قداری، پادشاه مصر، در زمره‌ی فتیان در آمد. در زمان صفویه نیز قزلباشان که مرید شاه اسماعیل بودند و او را مرشد کامل و صوفی اعظم می‌دانستند، پیرو آیین فتوت و دارای تشکیلات منظمی بودند و نعمتی خوانده می‌شدند. و هنگامی که آنان با مریدان شاه نعمت‌الله ولی که از حیدری‌ها بودند درافتادند، شاه عباس دستور خلع سلاح ایشان را داد. پس از این واقعه، سازمان‌های متعدد ایشان از هم گسست و مجامع ایشان که به نام «لنگر» و «زاویه» در ایران بسیار بود، بسته شد (هانری کورین ۱۳۵۲: مقدمه ص ۵).

بدیهی است که وقایع‌نگاران از زندگی داخلی دسته‌های فتوت بی‌اطلاع بوده‌اند، اما پاره‌یی اوقات از مطالبی خبر می‌دهند که در فتوت‌نامه‌های به‌جا مانده هیچ اثری از آنها نیست. برای مثال، می‌گویند که خلیفه ناصر تیراندازی با کمان (رمی‌البندق) و پرورش کبوترهای نامه‌بر (طیور المناسیب) را با اصول فتوت مربوط ساخت و چون، خود بهترین تیرانداز آن زمان بود از تمام فتیان خواست که از او پیروی کنند و به این ورزش بپردازند. همچنین گفته می‌شود که خلیفه ناصر امر کرد تمام کبوترهای نامه‌بر قدیمی را بکشند و نسل آنان را از بین ببرند و خود، نسلی جدید از این کبوتران پرورش داد و بین پیروانش تقسیم کرد (اسماعیل حاکمی ۱۳۳۹: ص ۲۷۲). سبب این امر آن بود که وی می‌خواست هیچ مطلبی بدون اطلاع او نباشد و تمام کبوتران نامه‌بر نیز جلد او بودند. شاید دلیل آنکه کبوتربازان را جزو فتیان محسوب کرده‌اند همین باشد.

اهل ملامت و فتیان

در باب فتوت، تعریف جالبی که هجویری نقل می‌کند مأخوذ است از کلام راهزنی به نام نوح عیار. می‌گویند حمدون قصار از این عیار پرسید که

جوانمردی چیست؟ نوح گفت: جوانمردی تو یا جوانمردی من؟ گفت: از آن هر دو. جواب داد: جوانمردی من آن است که قبا را کنار بگذارد، خرقره‌یی بپوشم و رفتاری که مناسب آن باشد در پیش گیرم تا صوفی شوم و از شرم خلق و خدای گناه نکنم؛ اما جوانمردی تو آن است که خرقره را به کنار افکنی تا از توجه و اقبال خلق فریب نخوری و خلق نیز از ظاهر حال تو فریب نخورند. بدین‌گونه، جوانمردی من عبارت است از پیروی از ظاهر شریعت و جوانمردی تو پیروی از باطن حقیقت (علی بن عثمان هجویری ۱۳۳۶: ص ۸۶).

اخلاص در عمل که اهل ملامت مبنای طریقتِ خویش بر آن استوار نمودند، طریقه‌ی آنان را که گونه‌یی نهضت برای اصلاح تصوف و در حقیقت، پیراستن آن از قیدها و ظواهر بود در میان عامه‌ی مردم و بازاریان رواج خاص داد. چون فتیان نیز بر اصل اخلاص در عمل و دوری از ریا می‌کوشیدند، به تدریج، طریقه‌ی اهل ملامت با سنت‌های اهل فتوت پیوند خورد و بعدها قلندران که مرده‌ریگ ملامتیان را یدک می‌کشیدند، مانند ایشان در ترک لباس مخصوص اهل تصوف و دوری از شکل و شمایل‌ی که آنان را معبود خلاق کند، مصر گشتند. اما هم طریقه‌ی آنان و هم روش فتیان خود، لباس، آداب و هیأت ویژه‌یی پیدا کرد که در نتیجه، آنها نیز مانند صوفیه، به رؤیت خلق و انحراف از اصل کشیده شدند.

این انحراف‌ها رفته‌رفته فزونی یافت تا آنجا که فتیان و پیروان آنان، یعنی قلندران، دچار انحطاط شدند و خود کج‌روی‌هایی را آغاز کردند (عبدالله بن محمد انصاری ۱۳۶۲: ص ۸۲).

آیین جوانمردی و ورزش باستانی

چون فتوت خوی پهلوانان ایرانی بود، پس از رواج تصوف اسلامی در ایران، ورزش باستانی به تصوف آمیخته شد، به‌طوری‌که تنی چند از پهلوانان از

صوفیان بنام گردیدند. بزرگ‌ترین آنان پهلوان محمود پوریای ولی است که بنا بر مشهور، بوسیدن خاک گود زورخانه نشانی از قدم‌بوسی او است. اصولی که ورزش باستانی از آن مایه گرفته، پاره‌یی از آداب عیاران است که به آن اشارتی می‌رود:

۱. برهنه شدن هنگام ورزش؛ این برهنگی در زورخانه لازم الاجرا است، زیرا عیاران در هنگامه‌ی نبرد برای ابراز نهایت از خودگذشتگی، خود را عریان می‌ساختند و فقط لنگی بر کمر می‌بستند.

۲. شلنگ‌اندازی؛ و آن دویدن در زورخانه است که عیاران برای آمادگی در جنگ به آن مبادرت می‌نمودند.

۳. انجام حرکات ورزشی با بعضی آلات و ادوات؛ این ورزش ایرانی به طور کلی برای آموختن آداب جنگ بوده است. بدین ترتیب که میل گرفتن برای حرکت دست و قوت بازو است تا بتواند گرز و شمشیر را به کار گیرند، سنگ برای سپرداری، گبرگه برای کمان‌کشی و چرخ‌زدن و کار پا برای چالاکسی و حرکات دوری در میدان جنگ است تا مانع از سرگیجه شود (حسن گوشه ۱۳۲۵: ص ۴۷).

سخنی چند از فتوت‌نامه‌ها

با توجه به اینکه پس از پراکندگی فتیان، صاحبان پیشه‌های مختلف بر آن شدند تا هر یک فتوت‌نامه‌یی مخصوص (همچون فتوت‌نامه‌ی چیت‌سازان و فتوت‌نامه‌ی آهنگران) در تطبیق مراحل گوناگون حرفه‌ی خود با آن، تهیه کنند، دیگر اینکه از فتوت‌نامه‌های منظوم (مانند فتوت‌نامه‌ی ناصری و عطار) تاکنون سخنی نرفته است و ذکر جملگی نیز در این مختصر نمی‌گنجد، معرفی آن فتوت‌نامه‌ها را به آینده وامی‌گذاریم و در اینجا فقط به فتوت‌نامه‌هایی اشاره

می‌کنیم که جنبه‌ی صنفی ندارند.

۱. فتوت نامه‌ی شهاب‌الدین عمر سهروردی

رساله‌ی یکم سهروردی

در این رساله، ابتدا توضیح داده شده که چگونه و به چه دلیل حضرت ابراهیم به پدر جوانمردان ملقب شده است. این نکته هنگامی درک پذیر است که او را در زنجیره‌ی پیامبرانی قرار دهیم که نخستین آنها حضرت آدم بود. شیث، فرزند آدم، به عنوان ولی این زنجیره‌ی تاریخی که فتوت را به ولایت و ولایت را به نبوت پیوند زده، معرفی شده است.

در رساله‌ی مذکور پس از حمد خداوند و ثنای پیامبر اکرم (ص) چنین آمده است: حضرت آدم به هر یک از فرزندان خود حرفه‌ی آموخت. اما شیث فنی نیاموخت و پدر را گفت، چون تو به هر یک از فرزندان خود حرفه‌ی آموخته‌ی، لازم است یکی از میان ایشان به خدمت و عبادت خداوند کمر بندد. بسیاری بر این عقیده‌اند که شیث بافنده بوده است و جامه‌ی بافته‌ی وی، جامه‌ی فتوت. چرا که عالم دوگانه است: عالم خارج (عالم صورت) و عالم واقعیت‌های درونی یا معنوی (عالم حقیقت). همچنان که ضرورت دارد انسان عالم خارج خود را بسازد، لازم است به ساختن عالم درون خود نیز پردازد. در مکتب شیث فرقی میان طریقت و فتوت نیست. اما ابراهیم که در دریای طریقت به کاوش پرداخت، جزیره‌ی فتوت را یافت و سالکان را در آن مسکن داد تا از غارت شیطان ایمن باشند.

به عقیده‌ی سهروردی، جوانمردی دوازده رکن دارد: شش رکن ظاهری برای بازداشتن انسان از اعمال ناشایست و دیگر، شش رکن باطنی که به درون

و باطن مربوط است (هانری کوربن ۱۳۶۲: ص ۱۳).

رساله‌ی دوم سهروردی

او ابتدا به تعریف واژه‌ی فتوت پرداخته و معتقد است که فتوت از فتوی آمده است. مفهوم لغوی آن عبارت از این است که هر عملی را که می‌خواهیم انجام دهیم با این پرسش آغاز کنیم که آیا این عمل مشروع است یا نه؟ در صورت تردید به اهل فن رجوع کنیم که او مفتی است یا استاد فتوت، و در صورت نیاز به فتواناگزیر راه شریعت را پیشه کنیم؛ زیرا اموری هست که مطابق شریعت است، اما مطابق فتوت نیست. البته این دو با یکدیگر منافات ندارند. برای مثال، اهل فتوت معتقدند در برابر ستمی که بر شخصی می‌رود او باید نیکی کند، اما شریعت مایل به قصاص است. به گفته‌ی مؤلف، اگر ظاهر شریعت به عنوان کلام حق، امری را تأیید کرد و فتوت آن را نپذیرفت، این مغایرت با کلام خدا نیست. سهروردی می‌گوید: با توجه به عفو، فتوت هم از کلام خدا است.

در تمثیل چهارراه فتوت در چهارراه شریعت سهروردی عقیده دارد، همچنان‌که خانه‌ی کعبه با چهار ستون و گوشه مجموعاً قبله را تشکیل می‌دهد و با وجود این، علم‌ی بر فراز آن نصب شده که نشانه‌ی شکوه اسلام است؛ چهار ستون، یعنی شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت که همان تنه‌ی کعبه است، را نیز نشانه‌ی بی‌باید که چهار جهت اصلی را بنمایاند و آن فتوت است که مرکز و کانون آن چهار راه است. حقیقت عرفانی قابل درک همگان نیست، ولی وجه خارجی آن (شریعت) بر همه روشن می‌تواند شد. بنا بر این، اهلیت برای رسیدن به حقیقت اصل است.

آن‌گاه، موضوع به کار گرفتن علم الحروف در باب فتوت به میان می‌آید تا

دانسته شود که فتوت است یا فتوی. ۲۵ وظیفه در فتوت است که هفت وظیفه‌ی آن با حرف «ف»، چهارده وظیفه‌ی آن با حروف «ت» و چهار وظیفه نیز با حرف «واو» آغاز می‌شود. و از اینجا معلوم می‌گردد که آنچه در شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت نهفته است همه در حروف «ف»، «ت» و «واو» وجود دارد تا بدانی که این راهی طولانی و دشوار است (مرتضی صراف ۱۳۵۲: ص ۱۰۴).

۲. فتوت‌نامه‌ی عبدالرزاق کاشانی

عبدالرزاق کاشانی متفکر شیعی و از مریدان ابن عربی است. در میان ۱۵۰ تفسیری که از قرآن کریم (براساس شمارش عثمان یحیی) صورت پذیرفته است، تفسیر او یکی از معروف‌ترین تفسیرهایی است که تأویل‌های عرفانی دارد. او بنا به گفته‌های متعدد، در ۷۳۰ یا ۷۳۱ یا ۷۳۵ هـ ق درگذشته است. وی در مقدمه‌ی فتوت‌نامه‌ی خود به نام تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان می‌نویسد که این کتاب، به درخواست یکی از بزرگان، به عربی نوشته شد و سپس، عبدالرزاق آن را به فارسی برگردانید. این فتوت‌نامه مقدمه و چهار فصل است که اختصاص به شرح ماهیت فتوت دارد.

مؤلف ابتدا به تعریف درباره‌ی فطرت، آن‌چنان‌که خدا آن را آفریده است، می‌پردازد و آن‌گاه، چنین اظهار نظر می‌کند که مفهوم کاملاً اسلامی فطرت به صورت مفهوم بنیادی فتوت در آمده است. حالت معنوی فتوت در اصل، پیروزی نور بر تاریکی است. به اعتقاد وی، جوانمرد انسان آزاده‌یی است که برای رسیدن به مرتبه‌ی او، بایستی مراحل را سپری کرد از این قرار:

یکم، مرحله‌ی مروت؛ و آن خصوصیتی است که انسانیت انسان را موجب می‌شود. فتوت، خود از نخستین شرایط ولایت است که همان دوستی و تقرب

الهی است و از خصوصیات اولیاءالله. ولایت، غایتِ فتوت و فتوت، خود مستلزم مروت است و آن، بازگشت انسان است به اصالتِ فطرتِ نخستین خود. از این رو، مفهوم توبه صرفاً استغفار از گناه نیست، بلکه پذیرش دگرگونی کامل و بازگشت به طهارت نخستین است که همان عهد الست را به یاد می‌آورد.

دوم، مقدمه در شرایط ولایت؛ آنجا که فتوت به کمال می‌رسد، ولایت آغاز می‌گردد.

سوم، در بیان اصل و مبدأ فتوت؛ که همان تشریفات ورود به جرگه‌ی جوانمردان است.

چهارم، بحث در مبادی و معانی فتوت؛ که مبادی آن تزکیه‌ی نفس است (مرتضی صراف ۱۳۵۲: ص ۱۳).

۳. فتوت‌نامه‌ی شمس‌الدین آملی

تاریخ تولد و درگذشت او به درستی معلوم نیست. همین قدر می‌دانیم که آملی است و در قرن هشتم هجری می‌زیست. متنی که به عنوان فتوت‌نامه در دست است، بخشی از دایرة المعارف نفایس الفنون است که توصیفی از تاریخچه و تجزیه و تحلیل از یکصد و بیست علم از مرده‌ریگ فرهنگ یونان و اسلام را به دست می‌دهد.

و اما فتوت از دیدگاه او چنین است: هرگاه شخص خود را از ظلمات هوا و هوس برهاند و فطرت را به کمال اخلاقی خود نزدیک سازد و به مرحله‌ی عمل رساند، به فتوت دست یافته است. اندیشه‌ی فتوت را همان احیای فطرت، وفاداری به «الست» و پذیرفتن معنویت انسان قبل از وجود حیات می‌داند که

سرانجامش تفوق نور بر ظلمت است.

این رساله در هفت فصل فشرده تنظیم شده است:

فصل اول، درباره‌ی اصل و ماهیت فتوت است؛ که جان به پاکی اولیه به سوی حق بازگردد. فتی از دیدگاه لغوی به معنای جوانی است؛ اما از دیدگاه عرفانی و تمثیلی، وصف کسی است که به کمال فطرت خود می‌رسد و صاحب بینش درونی می‌شود.

فصل دوم، درباره‌ی مظاهر فتوت است؛ که به نظر آملی، فتوت نخستین بار در شخص ابراهیم آنگاه در یوسف (یوسف / ۹) و سپس در علی بن ابیطالب (ع) بود که رسول اکرم (ص) او را قطب و مدار فتوت نامید.

فصل سوم، در خصوص حیثیت و مقام فتوت، هدف و کمالات آن است.

فصل چهارم، در شرایط و استعداد فتوت است که هفت صفت دارد:

۱- مردی و مردانگی، ۲- بلوغ، ۳- عقل، ۴- دین، ۵- صحت نیت و

استقامت احوال، ۶- مروت، ۷- حیا.

فصل پنجم، در مراسم اخذ فتوت، دوم انسانی و مطالعات فقهی

فصل ششم، اصطلاحات فتوت (هانری کورین ۱۳۵۲: ص ۱۰۴).

۴. فتوت نامه‌ی نجم‌الدین زرکوب

نجم‌الدین ابوبکر محمد بن مودود طاهری تبریزی معروف به نجم‌الدین زرکوب شاعر و صوفی که از نظر مشی فکری در سنخ سهروردی بوده است. وی از تبریز برخاسته و بنا به تاریخ سنگ مزارش، در ۷۱۲ هـ ق درگذشته است. فتوت‌نامه‌ی وی دارای اصالت و ویژگی خاصی است، زیرا ورود به سلک جوانمردان را با جزئیات کامل بیان کرده است.

فتوت نامه‌ی او شامل چند فصل است که ابتدا در مقدمه، به موضوع فتوت می‌پردازد و از وظیفه (مأموریت) و پیامبری (نبوت) سخن می‌راند. آن‌گاه، درجات سه‌گانه‌ی شریعت، طریقت و حقیقت را بدین‌گونه شرح می‌دهد:

۱- شریعت، راست گفتن است و تسلیم کامل قوانین الهی بودن، و این مرحله‌ی علم‌الیقین است.

۲- طریقت، درست دیدن و درست عمل نمودن را گویند.

۳- حقیقت، که در آن خود شخص به راستی تبدیل می‌شود و صرفاً برای یاران خاص‌الخاص است.

بنا به قول پیامبر، جوانمرد هفت صفت دارد که عبارت است از: ۱ - صداقت در گفتار، ۲ - وفای به عهد، ۳ - کرم و سخاوت در حق نیازمند، ۴ - گشاده‌دستی، ۵ - هنر و فن، ۶ - میهمان‌نوازی، ۷ - حیا و شرم. زرکوب می‌گوید، فتوت سه نوع است:

۱. فتوت زبان، که نگاهداشت زبان است از بهتان، غیبت و دشنام.

۲. فتوت دل، و آن پس از زدودن بخل، با سخاوت و ایثار بسیار حاصل می‌شود.

۳. فتوت چشم، که همان چشم‌پوشی از مناظر شرم‌آور است.

او فتوت را به سه چیز وابسته می‌داند:

۱. پاس داشتن قول خدای تعالی و اجرای دستورات او.

۲. پاس داشتن سنت پیامبر (ص).

۳. صحبت با اهل خدا.

به طور کلی، نجم‌الدین زرکوب به سه فتوت عام، فتوت خاص و خاص‌الخاص نظر دارد:

فتوت عام، متعلق به همه‌ی دوستان خداوند است.
فتوت خاص، نگهداشتن حق انبیاء و اولیاء است.
فتوت خاص‌الخاص، متعلق به اخلاق‌الله شدن است.

شرایط فتیان

زرکوب سیزده شرط برای فتیان ذکر کرده که بدین قرار است:

- ۱- آزاده باشد، ۲- بالغ باشد، ۳- عاقل باشد، ۴- علمی به اندازه‌ی مربی شدن داشته باشد، ۵- یتیم پرور و درویش باشد، ۶- پیوسته خوش خلق باشد، ۷- امین باشد، ۸- صالح و نمازگزار باشد، ۹- جز خیر خلق به زبان نیاورد، ۱۰- بردبار باشد، ۱۱- با حیا باشد، ۱۲- خوش منظر و بدون خلل ظاهری باشد، ۱۳- شجره و سند اجازه‌ی معتبر از پیران طریقت داشته باشد.

شرایط و کیفیت ورود به سلک جوانمردان

۱. تعهد قولی، اشاره است به آنان که تعهد را از قول و وفای به عهد‌الست بر بکم بر نداشته‌اند.
۲. تعهد سیفی، اشاره است به آنان که از راه شمشیر به اسلام گرویدند و سپس، خود در راه اعتلای آن شمشیر زدند.
۳. تعهد شربی، اشاره است به نوشیدن آب‌نمک از قدح.
و اما ورود به جرگه‌ی جوانمردان، خود بر رسوم سه‌گانه‌ی کمر بند بستن، آب‌نمک نوشیدن و زیرجامه پوشیدن استوار است.
به لحاظ انگیزه‌های روانی نیز آنها را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:
اول، صاحب ضرورت، کسی است که از روی نیاز و جلب منفعت یا دفع

ضرر به فتیان پیوندد.

دوم، صاحب اسناد، کسی است که ظاهر و باطن زندگی او یکی است؛ به علم و دانش مشهور است، منش او اعتماد دیگران را جلب کند و سلسله‌ی انتساب او تا پیامبر برسد.

سوم، صاحب اقبال و حمایت، کسی است که در پی حمایت از سوی شیخ یا قطبی است. انگیزه‌ی او می‌تواند ارادت به آن شیخ یا طلب حمایت از او باشد (هانری کوربن ۱۳۶۳: ص ۵۹).

۵. فتوت‌نامه‌ی درویش علی بن یوسف کرکهری

وی از کرکهر، از توابع همدان است. تنها تاریخ دقیق در مورد او، تاریخ کتاب او است که ۸۰۵ هـ ق است. این کتاب مجموعه‌ی بی است درباره‌ی صوفیه به نام زبدة الطریق الی الله. فتوت‌نامه‌ی کرکهری فصل ششم از کتاب مزبور را تشکیل می‌دهد. فتوت‌نامه‌ی درویش علی با شرح احوال اصحاب کهف آغاز شده است که معمولاً در سنت‌های ابراهیمی، به عنوان مظاهر حقیقی جوانمردی مسیحی به شمار می‌آید که توانسته است از حدود دو جهان پا فراتر نهد و کمر عبودیت خداوند بر میان بندد و در عهد خود با الله استوار بماند.

رفتار جوانمردان

در این باب او می‌گوید: آنچه جوانمرد دارد امانتی است که بدو سپرده شده است. اگر بتواند این امانت را به دیگری که وارث به‌حق آن است منتقل سازد، عمل او قرین توفیق بوده است. امانت‌داری معیار باطن همه‌ی اهل طریقت است.

و نیز می‌گوید: ای سالک حق بدان که در بنده چون کبر و عجب پیدا شود

ترک بندگی خویش گیرد و، چون فرعون، دعوی خداوندی آغاز کند و به خداوند خویش عاصی گردد.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود، جوانمرد کسی است که در وی شش خصلت باشد:

۱- تواضع در دولت، ۲- صبر در محنت، ۳- سخاوت بی منت، ۴- عفو در قدرت، ۵- نصیحت در خلوت، ۶- وفای به عهد. و مراد از وفای به عهد، بنده بودن است (هانری کورین ۱۳۶۳: ص ۷۷).

۶. فتوت نامه‌ی میر سید علی همدانی

میر سید علی همدانی، ملقب به امیر کبیر، علی ثانی و شاه همدان در دوازدهم رجب ۷۱۴ هـ ق به دنیا آمد. وی فرزند سید شهاب‌الدین بن محمد بن علی بن یوسف بن ... الحسین (ع) است که از سوی پدر با هفده واسطه، نسب به علی (ع) می‌رساند. مادرش سیده فاطمه نیز با هفده واسطه، نسب به رسول اکرم (ص) می‌رساند. از اوان کودکی به راهنمایی علاءالدوله سمنانی به حفظ قرآن پرداخت و در زمره‌ی صوفیان و فتیان بنام در آمد. وی در ذیحجه ۷۸۶ درگذشت.

آثار بسیاری از میر سید علی در عرفان بر جای مانده است که یکی از آنها فتوت نامه‌ی او است. وی در مقدمه‌ی آن درباره‌ی فتوت، معنی و مقصود آن سخن می‌راند و چنین می‌گوید: فتوت واژه‌ی عربی است به معنی «جوانی»، «زمان شباب» و «حرکات مناسب دوران جوانی». این لفظ مشتق از «فتی» است که جوان و گاهی خدمتکار و همراه معنی می‌شود. در قرآن مجید به صورت جمع و تشبیه آمده است (نساء/ ۲۵؛ یوسف/ ۳۰، ۳۶؛ کهف/ ۱۰، ۱۳، ۶۳؛ انبیاء/ ۶۰). قبل از اسلام، کلمه‌ی فتی در زبان عربی موجود بود، اما واژه‌ی فتوت متأخر

است و در زبان عرب پیشینه‌ی ندارد.

در ادامه، وی به تفسیر معنی لفظ «اخی» می‌پردازد. به اعتقاد او این لغت دارای معنایی رفیع و حقیقتی وسیع است و اهل طریقت آن را به سه معنی به کار برده‌اند: معنی عام که معنی لغوی اسم است، معنی خاص و آن معنی نصبی است، معنی اخص که اصطلاحی معنوی است.

۱. معنی عام: اسم «اخی» در لغت «برادر» است. عامه‌ی مردم اشخاصی را که از یک پدر و مادرند برادر می‌دانند و اطلاق این لقب به دیگران از سر تکلف است و بی‌اعتبار.

۲. معنی خاص: این کلمه شامل خواص مؤمنان و علمای دین می‌شود که آنان از اسرار و حقایق دین آگاهی دارند و به حکم انما المؤمنون اخوه (حجرات/ ۱۰) با یکدیگر برادرند.

۳. معنی اخص: اصطلاحی است میان ارباب قلوب و تحقیق و سالک مقام «فتوت». «فتوت» مقامی از مقامات سالکان و جزوی از فقر و قسمتی از ولایت است و چون ارباب فتوت یکی از اصحاب خود را که متصف به کرم و سخاوت و عفت و امانت و همچنین، شفقت و علم و تواضع و تقوا باشد، او را «اخی» نام نهند. و در مقام فتوت به تربیت او همت گمارند و جزوی از خلعت فقر، یعنی کلاه و سراویل که هر دو جزو خرقة و اصل آن به شمار است. تاج بدان جهت داده می‌شود که تاج کرامت است و سراویل در اصل ستر عورت است از ناف تا زانو و اول بار، ابراهیم خلیل سراویل پوشید.

آن‌چنان‌که کلاه و سراویل جزو خرقة است و اصل آن؛ فتوت نیز اگرچه مقامی است از مقامات فقر، اما اصل جمیع مقامات است و همه‌ی مقامات مبنی بر وی است، بلکه قواعد و اساس جمیع کمالات انسانی بدو منوط است و این

معنی جمیع درجات مکارم اخلاق را شامل می‌شود. سپس به تعریف فتوت از زبان بزرگانی چون حسن بصری، حارث محاسبی، فضیل عیاض و سایر عرفا پرداخته است. بعد نیز می‌افزاید: و ای عزیز بدان که قافله‌ی نفوس انسانی در این منزل که تو آن را دنیا می‌خوانی دو فریق گشته‌اند: مقبولان حضرت صمدیت و مردودان بارگه کبریا.

مردودان بر دو قسم‌اند: اهل شقاوت و اهل خسارت.

مقبولان نیز بر دو قسم‌اند: ابرار و مقربان.

مقربان آن طایفه از عیاران کوی طریقت و جانبازان میدان حقیقت‌اند که روح مقدس را از مرکب حدوث پیاده کرده‌اند و بساط سیر زمان و مکان درنوشته و عیون وهم و خیال را میل نایافته درکشند.

شرایط و آداب فتوت

برای گرویدن به آیین فتوت، پنج شرط ضروری است که عبارت است از: توبه به صدق، ترک علایق و اشتغال دنیوی، دل با زبان راست داشتن و اقتدای درست به بزرگان فتوت. سایر شرایط فتیان در متون دیگر نیز ذکر شده است که از تکرار آنها خودداری می‌شود (محمد ریاض: ص ۲۴۵).

۷. فتوت‌نامه‌ی سلطانی

این فتوت‌نامه تألیف ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری است. از علمای دینی و عارف به عرفان و نجوم بوده است. در زمان حسین بایقرا در هرات و نیشابور به وعظ اشتغال داشت. لقب واعظ برای او در همین راستا است.

وی از بزرگانی است که در قرن نهم مشهور بود و صاحب تألیفات بسیاری

است که اغلب آنها در زمره‌ی امور دینی و عرفانی است. تفسیر قرآنی که از وی به جا مانده است، یکی از تفسیرهای مهم و ارزشمند به شمار می‌رود. وی در ۹۰۶ یا به قولی در ۹۱۰ ه‍.ق درگذشته است.

این نخستین فتوت‌نامه‌ی است که فتوت را علم نامیده است و معتقد است که موضوع علم فتوت، نفس انسان است از آن جهت که به صفت‌های نیکو آراسته گردد و از صفت‌های ناپسند دوری کند. این اثر به باب‌ها و فصل‌های متعدد تقسیم شده است:

باب اول، در بیان منبع و مظهر فتوت و معنی طریقت و تصوف، فقر و آداب و ارکان آن است و شامل چهار فصل می‌شود.

باب دوم، در بیان پیر و مرید و آنچه بدان تعلق دارد. این باب شامل چهار فصل است.

باب سوم، در بیان نقیب و پدر عهدالله و استاد شد شاگرد و بیعت شد. این باب ده فصل دارد.

باب چهارم، در بیان خرقة و سایر لباس‌های اهل فقر و پوشیدن و پوشانیدن آن و رسانیدن خرقة به مریدان و شرایط آن و آداب و ارکان آن. این باب یازده فصل است.

باب پنجم، در آداب اهل طریق که شامل شانزده فصل است.

باب ششم، در شرح حال ارباب معرکه و سخنانی که بر آن مترتب باشد و آداب اهل سخن که این باب مشتمل بر چهار فصل است.

باب هفتم، در بیان اهل قبضه و حالات ایشان و این مشتمل بر هفت فصل است. قبضه یا قبضه چیزی است که آن را با پنجه‌ی دست فراگیرند. چون

قبضه‌ی تیر و کمان (هانری کورین، ۱۳۵۲).

دیدگاه کلی

آنچه از فتوت‌نامه‌های مورد بررسی به دست می‌آید دو خصیصه است که در تمام آنها به طور مشترک وجود دارد. نخست، عهد و میثاق ازلی انسان با خدا است که به آیه‌ی شریفه‌ی «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» (اعراف/ ۱۷۲) نظر دارد و سرچشمه‌ی فتوت را جوشش می‌بخشد. دوم، رشته‌ی نامرئی بین شریعت، طریقت و فتوت است که این سه رکن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. ابراز وفاداری به این پیمان و نیز لمس چنین رشته‌یی مراحل گوناگونی را باید، تا راهی راه فتیان به سر منزل مقصود برسد.

دیگر نکاتی که به اختصار یا تفصیل، در فتوت‌نامه‌ها ذکر گردیده است عبارت‌اند از:

- بحث درباره‌ی فتی، از حیث لفظ و معنی.
 - توجه به آیین فتیان، از نظر اخلاق و رفتار.
 - چگونگی ورود به جرگه‌ی فتیان و شرح رسوم مربوط به آن.
 - ویژگی‌های ظاهری چون لباس و شرح اصطلاحات ویژه‌ی جوانمردان.
- آنچه مذکور افتاد اهم مطالب مندرج در فتوت‌نامه‌ها را تشکیل می‌دهد. لیکن موضوعاتی وجود دارد که از نظر مؤلفان فتوت‌نامه‌ها دور مانده است و عنایتی بدان ننموده‌اند، از جمله:

خاستگاه اجتماعی آنان و نیز سیر تکاملی یا انحطاط این آیین، همچنین جنبه‌های سیاسی فتیان نادیده انگاشته شده است؛ در حالی که اینان در دوره‌های ویژه‌ی از تاریخ، برای نجات میهن خویش از سلطه‌ی بیگانگان، در نهضت‌های رهایی‌بخش به صورت گروه‌هایی متشکل به پا خاستند و گاه خود از سران جنبش به شمار می‌رفتند. در مواردی نیز آنان موجد تشکیل حکومتی

مستقل و سربلند بوده یا موجبات تحکیم پایه‌های دولتی را فراهم نموده‌اند و با یاری رسانیدن به مستمندان و دستگیری از درماندگان، آنان را به سوی خود جذب و برای ستیز علیه جور و بیداد زمان بسیج کرده‌اند. اما در فتوت‌نامه‌ها به این نقش‌های عمده توجهی نشده است. اینکه چرا در تمام کشورهای زیر ستم، گروهی با طرز فکر و عملکردی مشابه آنان تشکیل نشده‌اند، خود ریشه در چگونگی اندیشه‌ی اقوام گوناگون و نیز آمادگی ایشان برای پذیرفتن چنین ایثارها و از جان‌گذشتگی‌ها دارد. روحیه‌ی تقدم‌قایل شدن برای دیگران و مصالح آنان، موردی نیست که همگان توان انجام آن را در خود سراغ داشته باشند. از این رو، فتیان در موقعیت‌های خاص همراه با افرادی ویژه در سرزمین‌هایی موجودیت می‌یابند و پا می‌گیرند که پیش از آنها، عرفان آن سرزمین را فتح کرده و دل‌ها را به آن سو متوجه ساخته باشد. چنین می‌نماید که در هیچ فتوت‌نامه‌یی حق مطلب درباره‌ی این گروه ادا نشده است. این کاستی‌ها را باید تکمیل کرد. به امید انجام چنین مهم که ما را به پژوهش ارزنده در این وادی رهنمون شود.

کتابنامه

- انصاری، عبدالله بن محمد. ۱۳۶۲. طبقات الصوفیه. مقابله و تصحیح محمد سرور مولایی. تهران: توس.
- بهار، مهرداد. ۱۳۵۵. بررسی فرهنگی - اجتماعی زورخانه‌های تهران. تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر.
- تیشتر، فرانتس. ۱۳۳۵. «گروه فتوت کشورهای اسلامی و نوع ظهور گوناگون آنها مخصوصاً در ایران و کشورهای هم‌جوار آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۴، ش ۲. صص ۷۶-۹۴.
- حاکمی، اسماعیل. ۱۳۴۶. «آیین فتوت و عیاری»، سخن، س ۱۷، ش ۳. صص ۲۷۱-۲۷۸.

ریاض، محمد (گردآورنده). - احوال و آثار و اشعار باشش رساله از میرسیدعلی همدانی. لاهور: مرکز تحقیقات فارسی.

زرین‌کوب، عبدالحسین. ۱۳۵۷. جستجو در تصوف ایران. تهران: امیرکبیر.
سلمی، محمد بن حسین. ۱۳۹۷ هـ. ق. کتاب الفتوة. به تحشیه‌ی سلیمان آتش. آنکارا: مطبعة. سهروردی، عمر بن محمد. ۱۳۶۴. عوارف المعارف. ترجمه‌ی ابومنصور عبدالمؤمن اصفهانی. به اهتمام قاسم انصاری. تهران: علمی و فرهنگی.
صراف، مرتضی (گردآورنده و مصحح). ۱۳۵۲. رسایل جوانمردان (مشمول بر هفت فتوت‌نامه). مقدمه و خلاصه‌ی فرانسوی از هانری کورین. تهران: انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.

طرسوسی، محمد بن حسن. - ابومسلم‌نامه، حماسه ابومسلم خراسانی. به کوشش اقبال یغمایی. تهران: گوتنبرگ.

عبادی، مظفر بن اردشیر. ۱۳۴۷. التصفیه فی احوال المتصوفه (صوفی‌نامه). تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: ترجمه و نشر کتاب.

عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر. ۱۳۵۲. قابوس‌نامه. به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: ترجمه و نشر کتاب.

غنی، قاسم. ۱۳۴۰. بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. ۲ ج. تهران: زوار.
کاشفی، حسین بن علی. ۱۳۵۰. فتوت‌نامه سلطانی. به اهتمام محمدجعفر محبوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کورین، هانری. ۱۳۶۳. آیین جوانمردی. ترجمه‌ی احسان تراقی. تهران: نشر نو.
گوشه، حسن. ۱۳۲۶. «ورزش باستانی در ایران»، پیام نو، س ۳، ش ۶. صص ۴۷-۵۵.
ممتحن، حسین‌علی. ۱۳۵۴. نهضت شعوبیه، جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی. تهران: کتاب‌های جیبی.

نفیسی، سعید. - سرچشمه‌های تصوف در ایران. تهران: کتابخانه‌ی فروغی.
_____ . ۱۳۴۱. «فتوت‌نامه‌ای از قرن هفتم هجری»، فرهنگ ایران زمین. ج ۱۰، صص ۲۲۵-۲۲۹.

هجویری، علی بن عثمان. ۱۳۳۶. کشف‌المحجوب. از روی متن تصحیح شده‌ی والنسین ژوکوفسکی. ترجمه‌ی مقدمه به قلم محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.



پروفیسر شہناز گل شاہین پور
پرتال جامع علوم انسانی